

Journal Iranian Political Sociology
Vol. 5, No. 10, deyh 2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.312109.2537>

**The Consequence of the Confluence of U.S. Rebalance
and the Fragile Balance of Power in Asia-Pacific**

Abstract:

True understanding of U.S. Pivot to Asia-Pacific as the most powerful world country with its vast geopolitical coverage in the region is of high importance. To study the consequence of the confluence of U.S. Rebalance and the fragile balance of power in Asia-Pacific, the article is trying to answer this question: How the balance of power in the region could change within the next decade? Unique characteristics of the region, increasing its importance, made U.S. change its strategy from Atlantic to Pacific, aiming to maintain its dominance over Asia-Pacific. There are some ambiguities on the pivot, its inception, priorities and components, and this article offering documents, findings, descriptions and explanations tries to reduce the ambiguities. As per findings, the pivot has caused a change in China's behaviour as a regional power within the last two decades and therefore the current turbulence in the regional balance of power strengthened by One Belt- One Road initiative (OBOR) and Anti-Access/Area Denial (A²/AD) strategy to deepen control in indopacific, challenging U.S. supremacy and disarranging regional balance of power in favor of Beijing is being analyzed. This research involves descriptive – analytical research methodology within the framework of a library research process.

Keywords:

Rebalance, Strategic Shift, Asia – Pacific, Balance of Power, One Belt One Road

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

غدیر نبی زاده^۱جهانبخش ایزدی^۲سیدعلی طباطبایی پناه^۳حمیدرضا شیرزاد^۴**چکیده:**

درک درست از راهبرد بازموازنه ایالات متحده به آسیا - پاسیفیک به عنوان بزرگترین قدرت جهان در ابعاد مختلف و واجد ژئوپولیتیک فراگیر حائز اهمیت است. لذا، این پژوهش با هدف بررسی پیامد تلاقی بازموازنه امریکا و موازنه شکننده در آسیا - پاسیفیک، در پی پاسخ به این پرسش است که با توجه به راهبرد امریکا در منطقه آسیا - پاسیفیک، وضعیت موازنه قوا در این منطقه وسیع و استراتژیک در دهه آینده چگونه تغییر خواهد کرد؟ ویژگی‌های کم‌نظیر این منطقه بر اهمیت راهبردی آسیا - پاسیفیک افزوده و بنابراین، ایالات متحده تلاش نموده تا با تغییر راهبرد خود از راهبرد اتلانتیکی به پاسیفیکی، برتری خود در منطقه آسیا - پاسیفیک را تداوم بخشد. در خصوص راهبرد بازموازنه، آغاز، اولویت‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده آن ابهاماتی وجود دارد که تلاش گردیده تا با ارائه اسناد، یافته‌ها و توصیف و تبیین از ابهام موضوع کاسته شود. بر پایه یافته‌های پژوهش، چرخش استراتژیک امریکا به منطقه، تغییر رفتار چین به عنوان یک قدرت منطقه‌ای فعال و موثر در طول دو دهه گذشته را در بر داشته و در نتیجه تلاطم به‌وجود آمده در موازنه قوای منطقه به‌ویژه با اجرای پروژه عظیم کمربند اقتصادی جاده ابریشم، بکارگیری راهبرد امنیتی - نظامی ممانعت سرزمینی در راستای تعمیق کنترل منطقه وسیع هندوپاسیفیک و در نتیجه به چالش کشیدن برتری ایالات متحده و برهم‌زدن موازنه قوای منطقه به سود پکن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: بازموازنه، چرخش استراتژیک، آسیا - پاسیفیک، موازنه قوا، کمربند اقتصادی جاده ابریشم

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی - روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی - روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)^۲

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی - روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،^۳

^۴ گروه علوم سیاسی - روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،^۴

مقدمه:

نقش آفرینی آمریکا در نظام بین‌الملل با ورود به جنگ دوم جهانی آغاز شد. وقوع جنگ‌های اول و دوم در منطقه اتلانتیک، حضور قدرت‌های سیاسی و گسترش جنگ به بسیاری از کشورهای اروپایی سبب شد تا ایالات متحده استراتژی خود را در آن منطقه دنبال نماید و به دنبال شرکایی قدرتمند در جهت ارتقاء جایگاه و موقعیت خود در نظام بین‌الملل برآید. اما در اواخر سده بیستم و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دگرگونی در توزیع قدرت جهانی و ظهور قدرت‌هایی در آسیا موجب تغییر رویه‌های رایج شد؛ بدین ترتیب که در سال ۲۰۰۴ آمریکا به بازشکل‌دهی نیروهای امریکایی در خارج از کشور پرداخت و این اقدام آشکارا از تحولی بزرگ و تلاش بلندمدت در تفکر استراتژیک آمریکا برای چرخش به شرق آسیا به عنوان یک کانون استراتژیک پرده برداشت. در سال ۲۰۱۱ استراتژی‌ای که از آن با عنوان بازموازنه به آسیا^۱، چرخش به آسیا^۲، یا چرخش استراتژیک^۳ یاد می‌شود رسماً از سوی رئیس‌جمهور وقت اعلام شد؛ سیاستی که منطقه هدف آن آسیا - پاسیفیک بود و طراحی آن دست کم به دو دهه پیش بازمی‌گشت (Silove, ۲۰۱۶, p. ۵۳).

علاوه بر چین، روسیه نیز به عنوان قدرت باقی‌مانده از جنگ سرد، دارای توان هسته‌ای کم‌نظیر، سرمایه عظیم انسانی و مهارت در فناوری‌های سایبری به دلیل نزدیکی به اروپا و نیز پتانسیل‌هایی مانند اتحاد با چین و دیگر کشورهای نوظهور و همچنین ائتلاف منطقه‌ای با کشورهایی نظیر ایران سعی در گسترش حوزه نفوذ در جهان و عرض اندام در مقابل آمریکا را دارد و از این رو منافع آمریکا در جهان را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است.

از سوی دیگر، ناتوانی و شکست الگوهای بازدارندگی بومی و منطقه‌ای از زمره علل مهم تلاش آمریکا برای حضور و نفوذ بیشتر در منطقه آسیا - پاسیفیک است. افزایش توانمندی‌های اقتصادی و نظامی چین به خصوص در یک دهه اخیر علاوه بر اینکه میزان نیازمندی‌های استراتژیک بازیگران منطقه‌ای به چین را افزایش داده است، موجب شده تا لنگرگاه‌های سنتی آمریکا برای مهار چین در منطقه نیز از توان لازم برای مهار این کشور برخوردار نباشند. از این رو، ماهیت مسئله، یعنی تقابل ژئوپولیتیک قدرت‌ها در منطقه آسیا - پاسیفیک جدی است و چنانچه آمریکا علاقه‌مند به ادامه نقش آفرینی به عنوان قدرت برتر منطقه باشد باید موازنه قوای شکننده در منطقه را به سود خود تداوم دهد و با استفاده از ظرفیت‌های خود مانع از تسلط چین و روسیه بر منطقه شود. هدف کلی این پژوهش، درک و شناسایی راهبرد بازموازنه آمریکا به آسیا - پاسیفیک و میزان اثرگذاری آن بر آینده موازنه منطقه‌ای است. در این راستا دو هدف نظری و کاربردی در نظر است:

اول) هدف نظری: درک از راهبرد بازموازنه آمریکا است. به عبارت دیگر پژوهش حاضر به این مساله خواهد پرداخت که راهبرد بازموازنه آمریکا از چه ویژگی‌ها و اولویت‌هایی برخوردار است.

دوم) هدف کاربردی: تلاقی بازموازنه با موازنه قوای شکننده در منطقه در نهایت چه پیامدی در بر خواهد داشت؟ این مساله از آن جهت حائز اهمیت است که افزایش شناخت و روند تحولات این منطقه برای جمهوری اسلامی ایران نیز ضرورت دارد و از آنجا که این منطقه جایگاه مهمی در سیاست خارجی کشور دارد و بخش مهمی از مبادلات اقتصادی و انرژی ایران با آن یا از طریق آن صورت می‌پذیرد، توجه به روندهای موجود و چشم انداز تحولات آتی این منطقه برای کشور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و هرگونه تغییر و تحول در مناسبات منطقه‌ای در این حوزه، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران با بازیگران منطقه را بدنال خواهد داشت.

^۱ Rebalance to Asia

^۲ Pivot to Asia

^۳ Strategic Shift

لذا، در این مقاله تلاش شده است تا وضعیت موازنه قوا در منطقه وسیع آسیا - پاسیفیک با توجه به اجرای استراتژی بازموازنه امریکا از زمان اجرای رسمی این راهبرد تا پایان دوره ترامپ بررسی و پیامد آن در وضعیت موازنه‌ای منطقه مورد تحلیل قرار گیرد. در واقع، پرسش کلیدی مقاله آن است که بازموازنه امریکا به آسیا - پاسیفیک چه تاثیری بر موازنه قوای شکننده در منطقه دارد؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش ارائه شده آن است که بازموازنه امریکا به آسیا - پاسیفیک موجب گردیده تا موازنه قوای منطقه در آینده نزدیک نیز همچنان به سود ایالات متحده تداوم یابد. در راستای تبیین فرضیه فوق، روش پژوهش توصیفی - تحلیلی به کار گرفته شده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی، منابع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

ایالات متحده از گذشته حضور مستقیم در آسیا - پاسیفیک را تجربه کرده بود اما دست‌کم از ۱۸۹۹ با اعلام سیاست درهای باز^۱ منافع ملی خاصی را در این منطقه شناسایی و پیگیری نمود و حفظ موازنه قدرت منطقه‌ای در همه این سال‌ها از برنامه‌های این کشور به شمار می‌رفت و لذا بازموازنه در ادامه این راهبرد امریکا است (Tow & Stuart, ۲۰۱۷, p. ۲۴). بنابراین گرچه حضور ایالات متحده در منطقه پیشینه‌ای صد و بیست ساله دارد، اما ادبیات تولید شده در این موضوع از ۲۰۱۱ آغاز می‌شود. راهبرد دولت امریکا آن بود که آینده سیاست در آسیا رقم بخورد و ایالات متحده در مرکز این حرکت باشد (Clinton, ۲۰۱۱) قرار شد امریکا در شراکت نزدیک با هم‌پیمانان و دوستان به عنوان یک کشور پاسیفیکی نقشی بزرگ‌تر و درازمدت‌تر در شکل‌دهی به منطقه و آینده آن ایفا نماید (Obama, ۲۰۱۱). این مواضع، آغاز پژوهش‌های گوناگونی در حوزه شیفت استراتژیک، موازنه قوا در آسیا - پاسیفیک، برآمدن قدرت‌های نوظهور و حوزه‌های مرتبط بود تا ابعاد و جزئیات بیشتری از راهبرد امریکا در منطقه نمایان شود. برآمدن چین به عنوان یک قدرت از ۱۹۴۹ یکی از مهم‌ترین عوامل در محیط منطقه بود و واشنگتن باید از یک سو به چین به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای اطمینان می‌داد که از سازوکارهای گوناگون برای به حاشیه راندن یا منزوی ساختن این کشور در آسیا - پاسیفیک استفاده نمی‌کند و از سوی دیگر تضمین‌های امنیتی لازم را به متحدان و شریکان خود در منطقه برای ممانعت از رفتار تجاوزکارانه چین ارائه می‌کرد.

دلیل توجه ایالات متحده به منطقه آسیا - پاسیفیک و اجرای راهبرد بازموازنه در دو مقاله ذکر شده است:

جمشیدی و یزدان شناس (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی چرخش به آسیا؛ خیزش چین و سیاست امنیت ملی آمریکا در آسیای شرقی» نتیجه گرفته‌اند که اعلام رسمی راهبرد چرخش در این مقطع به دلیل برقراری تعادل پویا در سیستم و مدیریت یا کاهش شکاف‌های نقش - قدرت انجام شد و رصد تحولات پیچیده قدرت نشان می‌دهد که توجه ویژه به منطقه آسیا - پاسیفیک در سیاست خارجی آمریکا نه یک سیاست گذرا، که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای ایالات متحده جهت حفظ جایگاه قدرت برتر در نظام بین‌الملل است (جمشیدی و یزدان شناس، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۱-۱۱۲).

از سوی دیگر، قهرمانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «ژئواستراتژی آمریکا در آسیا پاسیفیک؛ تداوم یا تغییر» نتیجه گرفته است که راهبرد تمرکز به شرق مبتنی بر محاسبات واقع‌گرایانه تدوین شده است که پیشبرد آن منفعت کلان ایالات متحده یعنی حفظ وضع موجود در نظام بین‌المللی به معنای برتری این کشور در آن را تضمین می‌کند. ارتقاء جایگاه آسیا - پاسیفیک در اقتصاد و

^۱ Open Door Policy

امنیت جهان آمریکا را مجبور به حفظ و یا گسترش حضور خود به انحاء مختلف در این منطقه می‌نماید. لذا، هر گونه عقب‌نشینی آمریکا از آسیا - پاسفیک به معنای جایگزینی آن توسط چین خواهد بود (قهرمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۱).

مبانی نظری تحقیق

الف. تعریف مفاهیم

موازنه قدرت

موازنه قدرت^۱ یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل و از زیرمجموعه نظریه‌های کشمکش و منازعه است که از آغاز شکل‌گیری حقوق بین‌الملل در سده هفدهم میلادی در اروپا، به عنوان یک اصل بنیادین در دیپلماسی مطرح شد و به موازنه قوا در سطح بین‌الملل و توازن قدرت در سطوح داخلی و منطقه‌ای اشاره دارد. به باور دیوید هیوم، موازنه قدرت سابقه‌ای به درازای تاریخ دارد و بر پایه سندهای موجود نخستین بار از سوی توسیدید در کتاب جنگ‌های پلوپونزی (۴۱۱ ق.م) مورد استفاده قرار گرفته است (Pollard, ۱۹۲۳, p. ۵۲). نیز باید اشاره نمود که مفهوم قدرت با مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های مادی و غیرمادی تعریف می‌شود و انواع و جوه قدرت نسبت به هم از ویژگی تکمیل‌کنندگی برخوردارند. در گذشته واژه قدرت با تعریف واقع‌گرایانه آن بیشتر با مفهوم فیزیکی یا قدرت سخت^۲ شناخته می‌شد و اما امروزه مفهوم نوینی از قدرت تبیین گردید که در آن افزون بر مولفه‌های سنتی قدرت، بر مفاهیم نوینی چون قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت افکار عمومی، قدرت هوشمند و قدرت سایبری تاکید می‌شود (Nye, ۲۰۱۱). در واقع قدرت، از ابعاد سخت به ابعاد نرم تبدیل نشده بلکه وجوه نرم به ابعاد سخت قدرت افزوده شده است.

آسیا - پاسفیک

منطقه آسیا-آرام، آسیا-اقیانوسیه یا آس-پک^۳، شامل سرزمین‌های واقع در بخش غربی اقیانوس آرام یا در مجاورت آن است. بخش عمده شرق آسیا، جنوب آسیا، جنوب شرق آسیا (چین، کره، ژاپن، ده کشور عضو آسه‌آن) به علاوه اقیانوسیه (استرالیا، نیوزیلند، پاپوا گینه‌نو و کشورهای کوچک جزیره‌ای در اقیانوس آرام) و ایالات متحده آمریکا بخش‌های عمده منطقه آسیا - پاسفیک را تشکیل می‌دهد. حتی بر پایه برخی تعاریف، این منطقه می‌تواند روسیه (واقع در اقیانوس آرام شمالی) و کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی که در کرانه شرقی اقیانوس آرام واقع شده‌اند را نیز دربرگیرد (Eades & Cooper, ۲۰۱۰, p. ۳). با اینکه هند و همسایگانش در منطقه اقیانوس هند و نه اقیانوس آرام واقع‌اند، نیز در این دسته‌بندی جای می‌گیرند زیرا یکی از عبارت‌های اطلاق شده به این بخش از کره زمین هندوپاسفیک^۴ است.

در مجموع، تعریف و تقسیم‌بندی دقیقی از منطقه آسیا - پاسفیک ارائه نشده و بر اساس موضوع مورد بحث مناطق مشمول تغییر می‌کند. کشورهای هدف در سیاست چرخش استراتژیک آمریکا به منطقه آسیا - پاسفیک کشورهای شرق، جنوب و جنوب‌شرق آسیا به همراه هند و استرالیا به شمار می‌آیند. منطقه آسیا - پاسفیک در حدود چهل درصد از جمعیت جهان، نیمی از صادرات جهان، حدود سی درصد از تولید ناخالص جهان و چهار اقتصاد از برترین اقتصادهای دنیا را در خود جای داده و به عنوان بزرگراه بازرگانی دریایی جهان شناخته می‌شود (Smith, ۲۰۱۸).

^۱ Balance of Power

^۲ Hard Power

^۳ AsPac

^۴ Indo-Pacific

موازنه قوا در مکتب سیاست قدرت (واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی)

۲۳۹۶

واقع‌گرایان - که دارای رویکرد قدرت‌محور در سیاست بین‌الملل اند - بر این باورند که واحدهای سیاسی همواره در حال تولید، افزایش و نمایش قدرت‌اند و هر کشور بر اساس شرایط سیاسی و ژئوپلیتیک خود به قدرت‌سازی مبادرت می‌کند. کشورهای که دارای مرزهای جغرافیایی گسترده‌اند یا اینکه در نزدیکی همسایگان تهدیدکننده قرار دارند، نیاز بیشتری به توازن قوا پیدا می‌کنند (مورگنتا، ۱۳۷۴، ص. ۲۸۷). برخی از واقع‌گرایان بر ضرورت «تعادل پویا» در ساختار موازنه منطقه‌ای تاکید دارند که به معنی ایجاد توازن میان قدرت و الگوی رفتاری کشورهاست؛ بدین صورت که تولید ابزارهای قدرت باید متناسب با خطر ناشی از تهدید باشد و این امر باید برای مقابله با جاه‌طلبی بازیگرانی که تلاش دارند تا موازنه قدرت را برهم‌زده و به قدرت هژمونیک دست یابند مورد استفاده قرار گیرد (Sennett, ۱۹۹۵, p. ۴۸). لذا نظام موازنه منطقه‌ای مبتنی بر تعادل قدرت و کنش‌گری بازیگرانی است که در صدد دستیابی به قدرت مازاد یا جایگاه برتر در فضای منطقه‌ای هستند. البته کشورهایی که به دنبال هژمونی منطقه‌ای یا بین‌المللی هستند نیز عموماً با چنین مخاطراتی روبه‌رو می‌شوند (Roskin & Berry, ۱۹۹۵, p. ۱۳۹).

راهبرد بازموازنه امریکا به آسیا - پاسیفیک

اعلام رسمی راهبرد چرخش به آسیا - پاسیفیک در نوامبر ۲۰۱۱ هم‌زمان با ایراد سخنان باراک اوباما در پارلمان استرالیا صورت گرفت (Obama, ۲۰۱۱). یک ماه پیش از آن، هیلاری کلینتن، وزیر خارجه وقت ایالات متحده امریکا با انتشار مقاله‌ای با عنوان *سده پاسیفیک/ امریکا*^۱ در فارین پالیسی^۲ آن برهه از زمان را برای امریکا نقطه چرخش خواند و از شش بند راهبرد امریکا در بازتوازن به آسیا نام برد و به تبیین آن پرداخت. او به وضوح به شمول چین در سیاست چرخش استراتژیک اشاره کرد، گرچه مهار رشد و پویایی آسیا را نقطه تمرکز منافع اقتصادی و استراتژیک امریکا و اولویت مهمی برای امریکا خواند (Clinton, ۲۰۱۱). اهداف گوناگون و متعددی از سوی کارشناسان برای اجرای این راهبرد گفته شده است اما به نظر می‌رسد هدف کلی این راهبرد افزایش نفوذ امریکا در محیط سیاسی آسیا - پاسیفیک در شرایط افزایش قدرت منطقه‌ای چین باشد (CRS, ۲۰۱۲). هم‌زمان رویدادهای مهمی نیز در منطقه در جریان بود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش فعالیت‌های خصمانه چین، شتاب این کشور در جزیره‌سازی در دریای چین جنوبی و گسترش توانمندی موشک‌های دوربرد و هسته‌ای از سوی کره شمالی اشاره کرد. از نظر اقتصادی، ایالات متحده در حال بازیابی از بحران مالی بود.

معنایابی بازموازنه

کلیدی‌ترین عبارت مورد استفاده در این پژوهش، بازموازنه امریکا به آسیا است که از آن با عنوان چرخش به آسیا، شیفت/چرخش استراتژیک، چرخش آسیا - پاسیفیک، یا بازجهت‌گیری به آسیا^۳ نیز یاد می‌شود. پیوت^۴ در لغت به معنی محور، پاشنه، چرخش و چرخیدن روی پاشنه است. نخستین بار این واژه با استفاده هیلاری کلینتن در مفهوم مرتبط با تغییر سیاست امریکا رواج یافت. بازموازنه به آسیا در واقع تغییری راهبردی در سیاست خارجی امریکا از یک سیاست اروپایی/خاورمیانه‌ای به یک سیاست شرقی و جنوب آسیایی (دکترین اوباما) برای پیشبرد امنیت امریکا و منافع اقتصادی در منطقه بود و اوباما به عنوان نخستین رئیس‌جمهور پاسیفیکی امریکا شناخته می‌شود (Lieberthal, ۲۰۱۱).

^۱ America's Pacific Century

^۲ Foreign Policy

^۳ Reorientation to Asia

^۴ Pivot

مسئولان بلندپایه آمریکا در دوران مختلف با عبارات گوناگون بر ویژگی‌ها و اولویت‌های مختلف پیوت (بازموازنه) تاکید کرده‌اند. یکی از شفاف‌ترین موضع‌گیری‌ها در خصوص بیان اولویت‌های چرخش استراتژیک، سه مورد کلی اشاره شده در سخنان باراک اوباما در پارلمان استرالیا است: امنیت، رفاه و کرامت انسانی (Obama, ۲۰۱۱) که بر این اساس، سیاست خارجی آمریکا در قبال آسیا - پاسیفیک در زمان اجرای بازموازنه احیای برتری آمریکا در منطقه بدون دشمنی با چین تفسیر شد (Singh, ۲۰۱۲, p. ۱۵۱). همچنین در دوره ریاست جمهوری ترامپ، در گزارش وزارت دفاع آمریکا از استراتژی هندوپاسیفیک ۲۰۱۹ به سه دستور کار مدنظر در استراتژی هندوپاسیفیک در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و امنیتی اشاره شده است: ۱) آمادگی^۱: به‌کارگیری نیروی مشترک برای رسیدن به صلح از طریق قدرت و به‌کار گرفتن مهار موثر، ۲) شراکت‌ها^۲: همکاری با متحدان و شرکای کنونی و گسترش و تعمیق روابط با شرکای جدید و ۳) ارتقاء یک منطقه شبکه‌ای^۳: تبدیل ائتلاف‌ها و شراکت‌ها به یک ساختار امنیتی شبکه‌ای و ایجاد روابط امنیتی درون‌آسیایی برای ممانعت از تجاوز، حفظ ثبات و تضمین دسترسی آزاد به قلمروهای مشترک (Indo-Pacific Strategy Report, ۲۰۱۹, pp. ۱۷-۵۱). اما در جامع‌ترین موضع‌گیری، هیلاری کلینتن به تفصیل به شش اولویت راهبردی آمریکا در اجرای این سیاست پرداخت: ۱) تقویت ائتلاف‌های دوجانبه امنیتی، ۲) تعمیق روابط کاری با قدرت‌های نوظهور، ۳) همکاری با نهادهای چندجانبه منطقه‌ای، ۴) گسترش بازرگانی و سرمایه‌گذاری، ۵) حضور گسترده نظامی، و ۶) پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر (Clinton, ۲۰۱۱) که جزئیات بیشتری از آن ارائه می‌شود.

۱) تقویت ائتلاف‌های دوجانبه امنیتی

نخستین اولویت ایالات متحده تقویت ائتلاف‌های این کشور است که در واقع بنیان ارتباط آمریکا با منطقه و بازوان تامین کننده صلح و امنیت پایدار برای آن کشورها و آمریکا در منطقه به شمار می‌آید و در نتیجه افزایش همکاری منطقه‌ای برای آمریکا و کشورهای منطقه علاوه بر دارا بودن مزایای اقتصادی، هم‌زمان متعادل‌کننده اقتصادی علیه چین نیز خواهد بود (U.S. DoS, ۲۰۱۰a). در همین راستا، آمریکا به همراه متحدانش به دنبال ایجاد نظم امنیتی پایدار برای کشورهای ائتلاف در منطقه است تا بدین وسیله اعتماد استراتژیک را در منطقه ایجاد و محیطی را برای ارتباط نزدیک‌تر کشورها با هم فراهم سازد. آمریکا در بیش از نیم قرن گذشته ائتلاف‌های رسمی با کشورهای ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، تایلند و فیلیپین را مبتنی بر ارزش‌های مشترک و منافع استراتژیک و تکمیل کننده پروژه‌های همکاری چندجانبه آمریکا در پیش گرفت. به علاوه، این کشور فارغ از ائتلاف‌های رسمی، در دوران پس از جنگ سرد به منظور مدیریت بهتر امنیت و ثبات منطقه، جلوگیری از ورود خسارت به منافع خود و هم‌پیمانانش در منطقه و ممانعت از تحقق اهداف بلندپروازانه چین وارد رابطه نزدیک با برخی دیگر از کشورها از جمله هند، اندونزی، ویتنام و سنگاپور نیز شد زیرا بر این باور است که این گونه روابط برای آمریکا در آسیا - پاسیفیک حیاتی به شمار می‌رود و از اهمیت بالایی در تامین امنیت و ثبات برای موفقیت و توسعه منطقه برخوردار است (U.S. DoS, ۲۰۱۰b). ساختار ائتلاف آمریکا، ساختار چرخ و پره^۴ خوانده می‌شود به گونه‌ای که در آن آمریکا نقش چرخ یا دال مرکزی را ایفا می‌کند و متحدان مانند پره به دور آن می‌گردند (Park, ۲۰۱۱, p. ۱۳۸).

۲) تعمیق روابط کاری با قدرت‌های نوظهور

دومین اولویت در چرخش استراتژیک تعمیق روابط کاری با قدرت‌های نوظهور در نقطه‌ایست که با در نظر گرفتن شمار جمعیتی، وسعت سرزمینی، قدرت اقتصادی، قدرت نظامی و همکاری نهادی چند قدرت در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در هیچ منطقه

^۱ Preparedness

^۲ Partnerships

^۳ Promotion of a Networked Region

^۴ hub-and-spoke

دیگری از جهان، آینده رهبری ایالات متحده در نظام بین‌الملل مانند آسیا مورد آزمون قرار نگرفته که در آن گول‌های نوظهوری مانند هند و اندونزی، یک رقیب جدی و کامل مانند چین و یک برخورد جدی در مرکز اقتصاد بین‌الملل از اتلانتیک تا هندوپاسیفیک وجود داشته باشد (Singh, ۲۰۱۲, p. ۲). قدرت‌های نوظهور در تلاش برای افزایش گستره نفوذ خود در منطقه و جهان از راه اقتصاد، تجارت، تلاش‌های دیپلماتیک، تبادل فرهنگی و حتی توان نظامی‌اند. گاه رقابت این قدرت‌ها در مناطقی از جهان بحران‌های امنیتی ایجاد می‌کند ولی می‌تواند به همبستگی منطقه‌ای نیز بینجامد. برای نمونه یکی از مسائلی که وضعیت چین را از دیگر قدرت‌های نوظهور متمایز می‌کند میزان مناقشات، درگیری‌ها و ادعاهای سرزمینی منجر به دخالت سیاسی و نظامی چین و تهدید دیگر قدرت‌های جهانی، منطقه‌ای و همسایگان است که موضوع حاکمیت تایوان، مناقشات مرزی با هند، مرزهای تعریف‌نشده با بوتان، جزایر مورد مناقشه در دریای چین شرقی و دریای چین جنوبی را شامل می‌شود. سیاست خارجی گسترش طلبانه و جسورانه چین در کنار ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم و اقدامات این کشور در مناطق مورد مناقشه دریای چین جنوبی که از پشتوانه توان گسترده اقتصادی و نظامی این کشور برخوردار است، نظم چندجانبه قانون‌محور منطقه هندوپاسیفیک را به مخاطره انداخته است (Saha, ۲۰۲۰). امروزه چین از سوی برخی به عنوان یک ابرقدرت بالقوه و رقیب جدی امریکا خوانده می‌شود و رشد پرشتاب اقتصادی، افزایش قدرت نظامی، جمعیت فراوان و افزایش نفوذ بین‌المللی از شمار دلایل این ادعاست که امریکا را برای مهار این کشور به بازموازنه به آسیا سوق داده است.

۴) گسترش بازرگانی و سرمایه‌گذاری

منطقه آسیا - پاسیفیک تقریباً نیمی از صادرات جهان (WITS, ۲۰۲۰)، حدود سی درصد از تولید ناخالص و چهار اقتصاد از ده اقتصاد برتر جهان را در خود جای داده است (World Bank, ۲۰۱۹a) (Smith, ۲۰۱۸) (CRS, ۲۰۱۸, p. ۱). دولت امریکا برای عقب‌نماندن از رقیبان و تقویت جایگاه قدرت خود ارتباطات اقتصادی و تجاری خود با کشورهای منطقه را به گونه‌ای افزایش داده است که سیر صعودی روابط تجاری میان امریکا و کشورهای منطقه به‌ویژه پس از رکود اقتصادی ۲۰۰۸ کاملاً پیداست. برای نمونه صادرات کالا و خدمات امریکا به کشورهای ایک در ۲۰۱۸، ۱/۳۵۰ تریلیون دلار بود که نسبت به ۲۰۰۸، ۴۵ درصد افزایش یافته است و همچنین واردات امریکا از کشورهای عضو ایک در ۲۰۱۸، ۱/۹ تریلیارد دلار بود که نسبت به ۲۰۰۸، ۴۰ درصد رشد را نشان می‌دهد (USTR, ۲۰۱۹). به علاوه، سرمایه‌گذاری مستقیم امریکا^۱ - در هلدینگ‌ها و شرکت‌های غیربانکی، تولیدی و بخش مالی و بیمه - در اقتصاد ۳۸ کشور آسیا - پاسیفیک در سال ۲۰۰۹، ۵۰۳ میلیارد دلار و در ۲۰۱۸، ۸۸۶ میلیارد دلار بوده است که بیش از ۷۰ درصد رشد را نشان می‌دهد. در مقابل، سرمایه‌گذاری مستقیم ۳۸ کشور آسیا - پاسیفیک در امریکا در ۲۰۰۸ در مجموع ۳۲۵ میلیارد دلار بود که در ۲۰۱۸ به ۷۱۰ میلیارد دلار رسید و نشان‌دهنده رشد ۱۲۰ درصدی در این بخش است (BEA, ۲۰۲۰a) (BEA, ۲۰۲۰b).

۵) حضور گسترده نظامی

در دو دهه گذشته توسعه پرشتاب کشورهای منطقه به ویژه چین، تحول نظامی پکن، افزایش مناقشات سرزمینی در دریای چین جنوبی، گسترش تسلیحاتی کره شمالی، رفتار تحریک‌آمیز پیونگ‌یانگ در قبال کره جنوبی، افزون بر ظهور قدرت‌های اقتصادی و نظامی چالش‌هایی برای منافع امریکا و متحدانش در منطقه ایجاد کرده و چندی است شرق و به‌ویژه جنوب شرق آسیا به صحنه تنش و نزاع میان بازیگران منطقه تبدیل شده است. از سوی دیگر، ایالات متحده مدعی ست هم‌پیمانان امریکا در منطقه بیم آن دارند که بی‌تفاوتی دولت امریکا نسبت به تحولات منطقه، موازنه منطقه‌ای را به سود چین تغییر دهد و تنش‌ها شکل درگیری

^۱ Foreign Direct Investment (FDI)

آشکار و تمام‌عیار به خود بگیرد. امریکا نیز از دیرباز در منطقه حضور نظامی داشته و این حضور در ژاپن به جنگ جهانی دوم و در کره جنوبی به جنگ دو کره بازمی‌گردد. همچنین وجود کشورهایمانند روسیه، چین، کره جنوبی و شمالی، ویتنام، فیلیپین، تایلند، ژاپن، اندونزی، سنگاپور، استرالیا و ... در این منطقه و ارتباط آن به غرب آسیا و شرق و جنوب پاسیفیک قطعاً اهمیت این منطقه را دست‌کم برای منافع اقتصادی امریکا و متحدان نشان می‌دهد و همین مساله کفایت امریکا بخش قابل توجهی از امکانات و نیروهای نظامی خود را برای کنترل اوضاع در این منطقه به کار گیرد، از منافع متحدان و شرکای خود در منطقه حمایت کند و دست‌کم مانع از افزایش تنش در آن شود. در این خصوص به عنوان بخشی از سیاست چرخش استراتژیک به آسیا، ایالات متحده قدم‌هایی درباره بکارگیری شناورها و هواپیماهای نظامی امریکا در پایگاه‌های خود در منطقه آسیا - پاسیفیک برداشت و جاناتان گرینرت^۱ مسئول عملیات‌های دریایی این کشور، با طرح این مساله که نیروی دریایی هسته اصلی بازموازنه نظامی امریکا به آسیاست، در آغازین روزهای اجرای چرخش استراتژیک ویژگی‌های اصلی چرخش نظامی به آسیا را (۱) بکارگیری تجهیزات نظامی بیشتر در آسیا و غرب پاسیفیک؛ (۲) استقرار واحدها و نیروهای بیشتر در آسیا و غرب پاسیفیک؛ (۳) به‌دست‌آوردن قابلیت‌های نظامی جدید با توجه به نیازمندی‌های صحنه آسیا - پاسیفیک یا جنگ و (۴) تقویت شراکت و همکاری با متحدان امریکا در منطقه عنوان کرد (Greenert, ۲۰۱۲).

سه سال بعد در اوت ۲۰۱۵، اشتون کارتر^۲ وزیر دفاع وقت امریکا، در سخنانی، از چهار رکن امنیتی سیاست چرخش استراتژیک به آسیا - پاسیفیک به مناسبت آغاز فاز دوم شیفت استراتژیک پرده برداشت: (۱) سرمایه‌گذاری جهت آماده سازی امکانات مورد نیاز در آینده مرتبط با محیط امنیتی پیچیده و پویای آسیا - پاسیفیک؛ (۲) به‌کارگیری شماری از تجهیزات کلیدی ساخته شده که مناسب استفاده در شرایط کنونی و آینده آسیا - پاسیفیک است؛ (۳) سازگاری وضعیت نیروها در منطقه به گونه‌ای که به درستی در پهنه جغرافیایی تقسیم شوند و به لحاظ عملیاتی انعطاف‌پذیر و به لحاظ سیاسی مقاوم باشند؛ و (۴) تقویت ائتلاف‌ها و همکاری‌ها؛ که مبنای همه فعالیت‌ها در آسیا - پاسیفیک است (U.S. DoD, ۲۰۱۵).

۶) پیشبرد دموکراسی و حقوق بشر

دموکراسی و حقوق بشر از جمله قدرت نرم امریکا در جهان محسوب می‌شود و از منظر امریکا این دو مساله درهم آمیخته است به گونه‌ای که دموکراسی واقعی حافظ حقوق بشر است و همچنین حفاظت از حقوق بشر تنها در یک دموکراسی امکان‌پذیر است. امروزه بزرگ‌ترین امتیاز امریکا - حتی بیش از قدرت نظامی یا بزرگی اقتصاد - قدرت ارزش‌های امریکایی و به‌ویژه حمایت شدید این کشور از دموکراسی و حقوق بشر است. این مساله عمیق‌ترین ویژگی ملی امریکاست و در کُنه سیاست خارجی این کشور و چرخش استراتژیک به منطقه آسیا - پاسیفیک قرار دارد (Clinton, ۲۰۱۱). البته امریکا معتقد است قصد ندارد دنیا را مطابق میل خود تغییر دهد و آشکال گوناگونی از دموکراسی وجود دارد که دقیقاً منطبق بر دموکراسی امریکایی نیست (Mitchell, ۲۰۱۷) ضمن آن‌که این کشور در کوتاه‌مدت و درازمدت نیازمند انجام اقداماتی در راستای حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در خارج و حتی در درون کشور است (Fuchs, ۲۰۱۹, pp. ۳-۵).

وضعیت موازنه قوا در منطقه آسیا - پاسیفیک

پس از استقرار نظم نوین جهانی در ۱۹۴۵، نخستین تغییر شگرف در ۱۹۹۱ با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن یکی از بلوک‌های جنگ سرد همراه بود. این موازنه قوای عمومی و توابع آن در جهان در حدود نیم قرن ماندگار بود و در واقع به عنوان طولانی‌ترین دوران برقراری موازنه قوا در مقیاس جهانی و منطقه‌ای در دوره معاصر شناخته می‌شود. با فروپاشی اتحاد

^۱ Admiral Jonathan Greenert

^۲ Ashton Carter

جماهیر شوروی، امریکا به عنوان تنها ابرقدرت باقیمانده قدرت مضاعف داشت و کشورهای متأثر از بلوک شرق دچار نوعی سردرگمی بودند. از همان زمان چین جایگاه ویژه‌ای در بررسی‌های استراتژیک ایالات متحده یافت و دیدگاه ایالات متحده نسبت به این کشور به دلیل نیت مبهم، نوع نظام سیاسی، افزایش گسترده توان نظامی، اقدامات در راستای گسترش سرزمینی و نگرانی از توانایی‌ها و برنامه‌های آینده در کنار ظهور مقتدرانه پکن، شکل‌گیری تفکرات امنیتی در آسیا، موضوع تجارت و در نتیجه موازنه جهانی و منطقه‌ای قدرت در آسیا - پاسیفیک دگرگون شد. البته، علاوه بر چین، قدرت‌های نوظهور دیگری مانند هند و اندونزی و قدرت‌های جدامانده‌ای مانند روسیه و استرالیا نیز خود را به عنوان بازیگران مهم منطقه‌ای علاقه‌مند به ایفای نقش موثرتر در توازن قوای منطقه نشان دادند.

امریکا در سال‌های نخست اجرای استراتژی باز موازنه با چالش‌های دیرپایی مواجه بود (چالش‌های امنیتی) و گرچه نتوانست استراتژی منسجمی به ویژه در خصوص برآمدن چین ارائه کند (Green, et al., ۲۰۱۶, p. ۶۰) همواره به دنبال همکاری با چین در مدیریت منطقه و جهان بود (الگوی همکاری) که این مساله در راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۵ امریکا به صراحت آمده است: ایالات متحده از ظهور چین باثبات، صلح طلب و موفق استقبال نموده و به دنبال ایجاد روابطی سازنده با چین، به سود مردم هر دو کشور و امنیت و رفاه در آسیا و سرتاسر جهان بود. امریکا با وجود رقابت، ضرورت رویارویی را نفی و در همین حال بر مدیریت رقابت از موضع قدرت تاکید می‌کند و از چین می‌خواهد در خصوص موضوعات مختلف از امنیت دریایی تا تجارت و حقوق بشر قوانین و مقررات بین‌المللی را پاس بدارد. همچنین هشدار می‌دهد که امریکا با دقت مدرنیزاسیون نظامی چین و گسترش حضور این کشور در آسیا را رصد می‌کند ولی به دنبال راهی برای کاهش خطر سوء تفاهم و اشتباه محاسباتی است (National Security Strategy, ۲۰۱۵, P. ۲۴) (الگوی همکاری، واقع‌گرایی تدافعی).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش خوانش رسمی ایالات متحده از باز موازنه به عنوان موضع کلیدی مورد استفاده قرار گرفته است. داده‌های پژوهش حاکیست که چین با ظهور مقتدرانه خود در ابعاد اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی و نیز اقدامات بحث‌برانگیزی چون مگا پروژه کمر بند اقتصادی جاده ابریشم، راهبرد ممانعت سرزمینی، راهبرد زنجیره مروارید، گسترش سرزمینی در دریای چین، استفاده از اهرم تله بدهی و نفوذ در منطقه اقیانوس هند در صدد است با تغییر موازنه قوا به سود خود، رویکردهای منطقه‌ای را به گونه‌ای تغییر دهد که کشورهای منطقه نتوانند در هیچ‌گونه اقدامی در راستای تحدید یا مهار این کشور شرکت کنند. همچنین پکن با استفاده از ابزارهای اقتصادی و نظامی و با بهره‌گیری از نظام مشوق‌ها و تنبیه‌ها به دنبال استفاده از اتحادها و ائتلاف‌ها در راستای اهداف خود است.

از دیگر سو، امریکا با در پیش گرفتن اقدامات همه‌جانبه در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، نهادی، اقتصادی و نظامی تلاش نموده مهار چین را با جدیت پیگیری و برآمدن این کشور را در چهارچوب مورد نظر خود کنترل کند. از این منظر، امریکا با تقویت روابط در حوزه اقتصادی و تجاری با مجموع کشورهای آسیا - پاسیفیک، هم‌پیمانان خود در منطقه و حتی چین اهمیت ویژه این منطقه برای خود و گسترش بازرگانی و سرمایه‌گذاری در منطقه را همگام با استراتژی باز موازنه نشان داد و بر اهمیت رویکردهای همکاری‌جویانه به رغم رقابت‌های سیاسی - امنیتی منطقه‌ای تاکید کرد. در موضوع تجارت و امنیت، مساله بسیار مهم و تعیین‌کننده تردد آزاد دریایی به عنوان بخشی از منافع ملی امریکا در منطقه است زیرا آب‌های منطقه و به‌ویژه دریای چین جنوبی یکی از مسیرهای پرترافیک و مهم تجاری برای ایالات متحده محسوب می‌شود و سالانه میلیاردها دلار تجارت ضروری از آن

می‌گذرد که وجود هرگونه مخاطره امنیتی در منطقه اثرات مخربی بر اقتصاد و تجارت ایالات متحده و هم‌پیمانانش بر جا خواهد گذاشت.

افزون بر موارد فوق، قدرت نرم ایالات متحده که در پیگیری دموکراسی و حقوق بشر به عنوان یک کالای استراتژیک متبلور است در برابر شیوه حکمرانی چین از ابزارهای قوی آمریکا در بازموازنه به‌شمار می‌آید و دارای جذابیت برای کشورهای منطقه است.

نیز در بالا اشاره شد که بر مبنای نظریه واقع‌گرایی که موضوع آن قدرت و اولویت آن رقابت است و نظریه نواقص‌گرایی که امنیت محور آن و همکاری مبنای فعالیت آن است، مهم‌ترین عامل تاثیرگذار بر سیاست خارجی واحدهای سیاسی، میزان تهدیدی است که بازیگران برای گسترش قدرت و امنیت خود ایجاد می‌کنند. بنابراین، امروزه تهدیدی که کشورهای منطقه از مجموع توان نظامی، شیوه حکمرانی و گرفتارسازی کشورها در تله بدهی حس می‌کنند در کنار مناقشات مرزی جاری و گسترش سرزمینی این کشور موجب شده تا کشورها حول محور تهدید چین در کنار یکدیگر بایستند که در همین راستا چند سناریو محتمل است: کنسرت قدرت، منطقه‌گرایی، برتری آمریکا، برتری چین یا جنگ سرد نوین. همچنین در چارچوب مهار چین سه دسته اقدام قابل پیش‌بینی است: مهار نظامی - امنیتی، مهار نهادی و کنسرت قدرت.

بر این اساس، نظر به رویکردهای متفاوت چین و آمریکا به منطقه، مبرهن گردید که موازنه قوا در منطقه به واسطه سیاست‌های این دو کشور و بهره‌گیری آنان از ظرفیت هم‌پیمانان، شرکا و نهادها و استفاده از اهرم‌های اقتصادی و امنیتی، وضعیت ناپایدار و شکننده‌ای پیدا کرده است و با توجه به داده‌های فوق منطقی نمی‌توان تغییرات محسوسی در روند موازنه در سال‌های آتی را نتیجه گرفت.

در مجموع، از یافته‌های مزبور استنباط می‌شود که دو مساله کلی موجب بازموازنه آمریکا به منطقه گردیده و سایر مسائل ذیل این دو عنوان قابل بررسی است: (۱) مهار چین و (۲) برقراری امنیت در منطقه در راستای حمایت از منافع آمریکا، هم‌پیمانان و شرکا؛ گرچه مجموع اقدامات آمریکا در راستای بازموازنه موجب شده تا به رغم راهبردهای مقابله‌ای گسترده چین، موازنه قوای شکننده در منطقه آسیا - پاسیفیک دست‌کم در یک دهه آتی به سود ایالات متحده تداوم یابد، به دلیل سرعت بالای تحولات منطقه نمی‌توان منطقی شرایط موازنه‌ای باثباتی را برای دهه‌های آتی نتیجه گرفت. ضمن این‌که در چهارچوب منطق ارائه شده و به دلیل اهمیت فراوان امنیت تجاری برای پکن و واشنگتن به عنوان دو ذینفع و دو بازیگر موثر منطقه و تفاوت فراوان میان این دو کشور در مجموع شاخص‌های قدرت در شرایط کنونی امکان برخورد نظامی میان آنان وجود ندارد. بر این پایه، مجموع یافته‌ها و داده‌های مذکور، مبین آن است که راهبرد بازموازنه آمریکا به آسیا - پاسیفیک موجب گردیده تا موازنه قوای منطقه به سود ایالات متحده تداوم یابد و این همان فرضیه مقاله است.

بدیهی است در صورت افزایش تنش در روابط چین و آمریکا و کاهش فاصله قدرت میان دو کشور و نیز ادامه وضعیت موازنه کنونی برای یک دوره طولانی‌تر، منطقی امکان ظهور بلوک‌های جدید قدرت در منطقه پیرامونی و شکل‌گیری نوعی جنگ سرد وجود دارد. اما چنانچه رویکرد دولت جدید دموکرات در ایالات متحده را ادامه روند دولت اوباما بدانیم، کاهش تنش در روابط، افزایش سطح همکاری با چین و درگیر ساختن این کشور در روندهای منطقه‌ای به‌خصوص با استفاده از رویکردهای تعاملی و نهادی علاوه بر تداوم وضعیت موازنه قوا در منطقه به سود آمریکا، مدیریت اقدامات چین در قالب چهارچوب‌های مدنظر آمریکا را تسهیل خواهد نمود.

منابع

ارگانسکی، ای.اف.کی. (۱۳۵۵). *سیاست جهان* (حسین فرهودی: ترجمه). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

جمشیدی، محمد و یزدان شناس، زکيه (۱۳۹۸). استراتژی چرخش به آسیا؛ خیزش چین و سیاست امنیت ملی آمریکا در آسیای شرقی. دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، ۹۱-۱۱۶.

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۵). کمربند اقتصادی جاده ابریشم: زنجیره ارزش چین محور. فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، ۸۵-۱۱۳.

عراقچی، عباس و سبحانی، مهدی (۱۳۹۱). تقابل سرد در آسیا؛ پیامد رویکرد نظامی جدید آمریکا در آسیا پاسفیک. فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، ۳۵-۶۷.

APEC. (۲۰۱۱, October ۲۵). *APEC and Trans-Pacific Partnership mutually useful: research, Singapore*. Retrieved from http://www.apec.org/press/news-releases/۲۰۱۱/۱۰۲۵_tpp.aspx

APEC. (n.d.-a). *How has the Region Benefited?* Retrieved from <https://www.apec.org/About-Us/About-APEC/Achievements-and-Benefits>

APEC. (n.d.-b). *Frequently Asked Questions*. Retrieved from <https://www.apec.org/FAQ>

BEA. (۲۰۲۰a, March ۱۹). *U.S. Direct Investment Abroad: Balance of Payments and Direct Investment Position Data*. Retrieved from <https://www.bea.gov/international/di\usdbal>

BEA. (۲۰۲۰b, March ۱۹). *Foreign Direct Investment in the U.S.: Balance of Payments and Direct Investment Position Data*. Retrieved from <https://www.bea.gov/international/di\fdibal>

Bull, H. (۲۰۰۲). *The Anarchical Society: A Study of Order in World Politics* (Third ed.). New York: Palgrave.

China signs nearly ۲۰۰ deals for new Silk Road projects & eyes further expansion. (۲۰۱۹, November ۵). Retrieved from <https://www.rt.com/business/۴۷۲۶۲۵-china-۲۰۰-deals-bri/>

Clinton, H. R. (۲۰۱۱, October ۱۱). *America's Pacific Century*. *Foreign Policy*. Retrieved from <http://foreignpolicy.com/۲۰۱۱/۱۰/۱۱/americas-pacific-century/>

Countries of the Asia-Pacific Region. Daniel K. Inouye Asia-Pacific Center for Security Studies. (۲۰۲۱, April ۶). <https://apcss.org/about/ap-countries/>.

CRS. (۲۰۱۲). *Pivot to the Pacific? The Obama Administration's "Rebalancing" Toward Asia* (R۴۲۴۴۸). March ۲۸. Retrieved from <http://www.fas.org/sgp/crs/natsec/R۴۲۴۴۸.pdf>

CRS. (۲۰۱۸). *The Asia Pacific: Challenges and Opportunities for U.S. Policy* (IF۱۱۰۴۷). December ۱۴. Retrieved from <https://fas.org/sgp/crs/row/IF۱۱۰۴۷.pdf>

- Duffin, E. (۲۰۲۰, February ۲۰). Deployment of U.S. active-duty military & civilian personnel around the world in ۲۰۱۹, by selected regions. Retrieved from <https://www.statista.com/statistics/۲۲۲۹۲۰/deployment-of-us-troops-in-selected-world-regions/>
- Eades, J. S., & Cooper, M. J. M. (۲۰۱۰). Introduction. The Asia Pacific World: A Summary and an Agenda. *Asia Pacific World*, ۱(۱), ۱-۲۲. <https://doi.org/۱۰.۳۱۶۷/apw.۲۰۱۰.۱.۱.۱>
- Ross, R. (۲۰۱۲). The Problem with the Pivot: Obama's New Asia Policy Is Unnecessary and Counterproductive. *Foreign Affairs*, ۹۱(۶), ۷۰-۸۲. Retrieved from <https://www.foreignaffairs.com/articles/asia/۲۰۱۲-۱۱-۰۱/problem-pivot>
- Saha, P. (۲۰۱۸, February ۲۶). The Quad in the Indo-Pacific: Why ASEAN remains cautious. Retrieved from <https://www.orfonline.org/research/asean-quad/>
- Saha, P. (۲۰۲۰, February ۱۹). From 'Pivot to Asia' to Trump's ARIA: What drives the US' Current Asia policy? Retrieved from <https://www.orfonline.org/research/from-pivot-to-asia-to-trumps-aria-what-drives-the-us-current-asia-policy-۶۱۵۵۶/>
- Sennett, R. (۱۹۹۵). *Authority*. New York: Alfred Knopf.
- Silove, N. (۲۰۱۶). The Pivot before the Pivot: U.S. Strategy to Preserve the Power Balance in Asia. *International Security*, ۴۰(۴), ۴۵-۸۸. doi:۱۰.۱۱۶۲/isec_a_۰۰۲۳۸
- Singh, R. (۲۰۱۲). *Barack Obama's Post-American Foreign Policy: The Limits of Engagement*. New York, NY: Bloomsbury Academic.
- Smith, R. (۲۰۱۸, April ۱۸). The world's biggest economies in ۲۰۱۸. *World Economic Forum*. Retrieved from <https://www.weforum.org/agenda/۲۰۱۸/۰۴/the-worlds-biggest-economies-in-۲۰۱۸/>
- Tow, W. T., & Stuart, D. (۲۰۱۷). *New Us Strategy Towards Asia: Adapting to The American Pivot*. New York: GARLAND Science.
- U.S. Census Bureau. (n.d.-a). *Top Trading Partners*. Retrieved from <https://www.census.gov/foreign-trade/statistics/highlights/top/index.html> ۲۰۱۹
- U.S. Census Bureau. (n.d.-b). *Trade in Goods with China*. Retrieved from <https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c۵۷۰۰.html>
- U.S. Census Bureau. (n.d.-c). *Trade in Goods with Korea, South*. Retrieved from <https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c۵۸۰۰.html>

- U.S. DoD. (۲۰۱۴). *Quadrennial Defense Review ۲۰۱۴*. Retrieved from <https://history.defense.gov/Portals/۷۰/Documents/quadrennial/QDR۲۰۱۴.pdf?ver=tXH۹۴S VvSQLVw-ENZ-a۲pQ/۳d/۳d>
- U.S. DoD. (۲۰۱۵, April ۶). *Remarks on the Next Phase of the U.S. Rebalance to the Asia-Pacific*. Retrieved from <https://www.defense.gov/Newsroom/Speeches/Speech/Article/۶۰۶۶۶۰/remarks-on-the-next-phase-of-the-us-rebalance-to-the-asia-pacific-mccain-instit/>
- U.S. DoS. (۲۰۰۹, October ۱۴). *The Future of APEC*. Retrieved from <https://۲۰۰۹-۲۰۱۷.state.gov/p/eap/rls/rm/۲۰۰۹/۱۰/۱۳۰۵۵۶.htm>
- U.S. DoS. (۲۰۱۰a, July ۲۳). *Remarks at press availability*. Retrieved from <https://۲۰۰۹-۲۰۱۷.state.gov/secretary/۲۰۰۹۲۰۱۳clinton/rm/۲۰۱۰/۰۷/۱۴۵۰۹۵.htm>
- U.S. DoS. (۲۰۱۰b, January ۱۲). *Remarks on regional architecture in Asia: principles and priorities by Secretary of State Hilary Clinton*. Retrieved from <https://۲۰۰۹-۲۰۱۷.state.gov/secretary/۲۰۰۹۲۰۱۳clinton/rm/۲۰۱۰/۰۱/۱۳۵۰۹۰.htm>
- U.S. Mission to ASEAN. (n.d.). *U.S. – ASEAN Timeline*. Retrieved from <https://asean.usmission.gov/our-relationship/policy-history/u-s-asean-timeline/>
- USTR. (۲۰۱۹, October ۲۴). *U.S.-APEC Trade Facts*. Retrieved from <https://ustr.gov/trade-agreements/other-initiatives/asia-pacific-economic-cooperation-apec/us-apec-trade-facts>
- USTR. (۲۰۲۰). The People's Republic of China. Retrieved December ۱۳, ۲۰۲۰, from <https://ustr.gov/countries-regions/china-mongolia-taiwan/peoples-republic-china>
- Walt, S. (۲۰۰۰). *The Origins of Alliances*. Ithaca, N. Y.: Cornell University Press.
- Waltz, K. (۱۹۹۹). *Globalization and Governance. PS: Political Science and Politics*, ۳۲(۴), ۶۹۳-۷۰۰. doi: ۱۰.۲۳۰۷/۴۲۰۱۵۸.
- Weatherbee, D.E. (۲۰۱۰). ASEAN: Where Process Has Priority. *Asia Policy*, ۱۰(۱), ۲۰۲-۲۰۵.
- White House. (۲۰۱۵, November ۱۶). *Fact Sheet: Advancing the Rebalance to Asia and the Pacific*. Retrieved from <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/۲۰۱۵/۱۱/۱۶/fact-sheet-advancing-rebalance-asia-and-pacific>
- WITS. (۲۰۲۰, April ۲۲). *East Asia & Pacific Exports by Country and Region*. Retrieved from <https://wits.worldbank.org/CountryProfile/en/Country/EAS/Year/LTST/TradeFlow/Export/Partner/all/>

World Bank. (۲۰۱۹a). *East Asia & Pacific*. Retrieved from
<https://data.worldbank.org/region/east-asia-and-pacific>

World Bank. (۲۰۱۹b). *GDP (Current US\$)- China*. Retrieved
<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=CN>

World Bank. (۲۰۲۰). *Population Total - China*. Retrieved from
<https://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=CN>